

مکالمات روزمره انگلیسی **By Two** لوح زبان افرا دانش درس 1

The Weekend

آخر هفته



مکالمات روزمره

موضوعات:
مکالمات روزمره در مورد تعطیلات آخر هفته،
فعالیت های انجام شده در تعطیلات، علاقه داشتن
یا نداشتن به امور انجام شده و ...

○ سعی کنید، پس از مطالعه و یادگیری، هر یک از مکالمات این مجموعه را به صورت دو به دو تمرین کنید تا به تمامی مکالمات تسلط یابید.

Unit 1: The Weekend	درس ۱: آخر هفته
بخش اول	
<p>A: So how was your weekend, Alexis? B: Well, I wanted to go to a club with my friend, but she was too tired to go out. A: So what did you do? B: We just stayed home and watched TV.</p>	<p>- خوب پس، آخر هفته ات چطور بود، الکسیس؟ - خوب، میخواستم با دوستم به یک کلوب برم، اما اون برای بیرون رفتن بیش از اندازه خسته بود. - پس چیکار کردید؟ - فقط خونه موندم و تلویزیون تماشا کردیم.</p>
<p>A: I had a great weekend. B: What happened? A: I went to my sister's house. I helped her clean the garage. B: Really? A: Yeah. But she made me a really great dinner that night. B: All right!</p>	<p>- آخر هفته فوق العاده ای داشتم. - چی شد؟ (چه اتفاقی افتاد؟) - رفتم خونه خواهرم. توی تمیز کردن گاراژ (پارکینگ) بهش کمک کردم. - واقعا؟ - آره. اما، اون شب یک شام واقعا عالی برام درست کرد. - خیلی خوبه!</p>
<p>A: What did you do last weekend? B: Ummm, I spent most of the time at the gym. A: How come? B: Well, I plan to enter a bodybuilding competition next month. A: Gee, I didn't know you were a bodybuilder. B: Yeah. Want to see my muscles?</p>	<p>- تعطیلات آخر هفته گذشته چیکار کردی؟ - امم، بیشتر وقت را توی باشگاه گذراندم. - چطور؟ (چرا؟) - خوب، برنامه دارم تا ماه آینده توی یک مسابقه (رقابت) بدنسازی شرکت کنم. - هی، نمی دونستم تو یه بدنساز بودی. - آره. میخواوی عضلاتم را ببینی؟</p>

<p>A: So, what was your weekend like? B: Not very good. My brother came over. A: Yeah? B: Well, he's got three young boys. I spent all weekend playing with my nephews. Now I'm exhausted. A: I'll bet!</p>	<p>- خب، آخر هفته ات چطور بود؟ - خیلی خوب نبود. برادرم اومد پیشم. - واقعا؟ - خب، اون سه تا پسر بچه داره. تمام آخر هفته را صرف بازی کردن با برادر زاده هام کردم. حالا هم خیلی خسته ام. - شرط مینبدم همینطوره! (قطعا همینطوره! این جمله برای تایید به کار میرود)</p>
<p>A: Did you have a nice weekend? B: Mmm. Not too bad. A: Did you do anything special? B: Well, I saw a really good movie. A: With who? B: Oh, I don't think you know him.</p>	<p>- آخر هفته خوبی داشتی؟ - امم. خیلی بد نبود. - کار خاصی انجام دادی؟ - خب، یک فیلم واقعا خوب دیدم. - با کی؟ - اوه، فکر نمیکنم اون را بشناسی.</p>
<p>A: Did you have a nice weekend, Theresa? B: It was okay. A: So what did you do? B: Well, I met some friends on Saturday, and we watched a DVD. A: How about Sunday? Did you see the World Series on TV? B: The what? A: The baseball game. B: Oh. No, I was too tired. I slept most of the day. A: You're kidding! You missed a really great game.</p>	<p>- آخر هفته خوبی داشتی، ترسا؟ - خوب بود. - خب، چیکار کردی؟ - خب، یک تعدادی از دوستها را شنبه ملاقات کردم و یک دی وی دی تماشا کردیم. - یکشنبه چطور؟ مسابقات جهانی رو توی تلویزیون دیدی؟ - چی رو؟ - مسابقه بیسبال. - اوه. نه، خیلی خسته بودم. بیشتر روز را خوابیدم. - شوخی میکنی! بازی واقعا فوق العاده ای را از دست دادی.</p>
بخش دوم	
<p>A: So how was your weekend? B: Oh, I went to see that new science fiction movie downtown. A: Oh, yeah? How was it? B: Boring. I think I fell asleep in the middle of it.</p>	<p>- خب، آخر هفته ات چطور بود؟ - اوه، برای دیدن اون فیلم علمی تخیلی جدید به مرکز شهر رفتم. - اوه، واقعا؟ چطور بود؟ - خسته کننده (حوصله سر بر). فکر کنم وسطش خوابم برد.</p>
<p>A: What was your weekend like? B: Awful. A: How come? B: I went to the beach for the weekend. But it was cold and wet the whole time. A: Oh, yuck!</p>	<p>- آخر هفته ات چطور بود؟ - افتضاح. - چطور مگه؟ - برای آخر هفته به ساحل رفتم. اما تمام مدت (همش) سرد و بارانی بود. - اوه، چه بدا!</p>
<p>A: So, what did you do over the weekend? B: Oh, I stayed home and read. A: Sounds pretty boring. B: Not really. I finished reading a terrific novel. Want to borrow it? A: Maybe some other time.</p>	<p>- خب، توی آخر هفته چیکار کردی؟ - اوه، خونه موندم و مطالعه کردم. - به نظر خیلی کسل کننده است. - نه خیلی. خوندن یک رمان فوق العاده را تموم کردم. - میخوای اون را قرض بگیری؟ - شاید یک وقت دیگه.</p>

<p>A: How was your weekend? B: I went to a great outdoor concert and met some really interesting people. And guess what? I met this guy who loves tennis. We're going to get together for a game on Saturday. A: So you're not playing tennis with me? B: Oh, well, umm-no, sorry!</p>	<p>- آخر هفته ات چطور بود؟ - به یک کنسرت هوای آزاد عالی رفتم و آدم های واقعا جالبی را دیدم. و حدس بزن چی شد؟ کسی را دیدم که عاشق تنیس بود. قراره روز شنبه باهم برای یک بازی بریم. - پس قرار نیست با من تنیس بازی کنی؟ - اوه، خب. امم. نه، متأسفم!</p>
<p>A: Did you do anything interesting over the weekend? B: Well, I had to study for an exam. A: All weekend? B: Yeah. It was pretty awful. A: When's the exam? B: Today. A: Well, good luck. B: Thanks. I'll need it.</p>	<p>- توی آخر هفته کار جالبی انجام دادی؟ - خب، مجبور بودم برای یک امتحان درس بخونم. - تمام آخر هفته را؟ - آره. بسیار افتضاح بود. - امتحان کی هست؟ - امروز. - خب، موفق باشی. - ممنون. امیدوارم. (امیدوارم همینطور باشه)</p>
<p>A: Did you have a good weekend? B: Yeah, I had a great weekend. I was out both Friday and Saturday night with friends, but now I'm so tired. I won't do that again for a while. A: Too bad. I was going to ask you out next weekend.</p>	<p>- آخر هفته خوبی داشتی؟ - بله، آخر هفته فوق العاده ای داشتم. هر دو شب جمعه و شنبه را با دوستانم بیرون بودم، اما الان خیلی خسته ام. تا یک مدتی این کار را دیگه نمیکنم. - چه بد. قصد داشتم ازت بخوام تا آخر هفته دیگه بریم بیرون.</p>
<p>بخش سوم</p>	
<p>I had a really great weekend. I didn't have anything to do on Saturday afternoon, so I went to the mall. I went into a department store to look around. They were having a contest. All you had to do was write answers to some easy questions about pop music and put your answers in a box. Then they pulled out three names for a prize. And guess what? Mine was the first name they pulled out. I couldn't believe it. And it's a terrific prize. A weekend for two in Las Vegas!</p>	<p>آخر هفته واقعا فوق العاده ای داشتم. شنبه عصر کاری برای انجام دادن نداشتم، بنابراین به مرکز خرید رفتم. وارد فروشگاه شدم تا نگاهی بندازم (دوری بزنم). اونها یک مسابقه داشتند. تمام کاری که باید انجام میدادی این بود که جواب هات را برای تعدادی سوال ساده در مورد موسیقی پاپ بنویسی و جوابهات را توی یک جعبه بندازی. بعد اون ها سه تا اسم را برای جایزه بیرون آوردن. و حدس بزن چی شد؟ مال من اولین اسمی بود که بیرون آوردن. باورم نمیشد. و اون یه جایزه فوق العاده است. آخر هفته برای دو نفر در لاس وگاس!</p>

<p>Saturday morning, I got a phone call from an old school friend. I haven't seen her for a long time. She was one of my closest friends in high school, but she moved to Los Angeles for work. She was in town for four days, so she invited me to a restaurant for lunch. We had such a pleasant time together. She was telling me about her job in Los Angeles. It sounds really interesting. She works for a movie company, and she has to find places where they can film movies—you know, places like restaurants, hotels, lobbies, parks, and streets.</p>	<p>شنبه صبح، یک تماس تلفنی از طرف یک دوست قدیمی دوران مدرسه داشتم. خیلی وقت بود که اون را ندیده بودم. اون یکی از نزدیک ترین دوستانم توی دبیرستان بود، اما برای کار به لس آنجلس نقل مکان کرد. اون چهار روز توی شهر بود، بنابراین من را برای نهار به یک رستوران دعوت کرد. اوقات واقعا خوبی با هم داشتیم. اون داشت در مورد کارش تو لس آنجلس برام تعریف میکرد. واقعا جالب بود. اون برای یک شرکت فیلم سازی کار میکرد، و باید جاهایی را پیدا میکرد که اونها بتونن فیلم برداری کنن - میدونی، جاهایی مثل رستوران ها، هتل ها، لابی ها، پارک ها و خیابان ها.</p>
<p>My brother and I wanted some exercise on Sunday, so we decided to go on a nature walk. There's a big park near the town where there are supposed to be wonderful wild birds and butterflies. We took a bus there and walked along a forest trail for about four hours. It was pretty tiring because it was a really hot day. The worst thing was, we never saw any wild birds or butterflies! I don't think we'll go there again.</p>	<p>من و برادرم میخواستیم یکشنبه یک مقدار تمرین کنیم، بنابراین تصمیم گرفتیم به یه پیاده روی توی طبیعت بریم. یک پارک بزرگ نزدیک شهر هست که باید قراره پرندگان وحشی و پروانه ها اونجا باشند. با اتوبوس به اونجا رفتیم و از بین یک راه جنگلی طولانی در حدود چهار ساعت رد شدیم. نسبتا خسته کننده بود چون روز واقعا گرمی بود. بدترین چیز این بود که، اصلا هیچ پرنده وحشی یا پروانه ای ندیدیم! فکر نمیکنم که دوباره به اونجا بریم.</p>
<p>I went to my friend's birthday party on Saturday night. I don't always enjoy going to birthday parties because you often have to play stupid games and things. Well, we did have to play all sorts of stupid games, but I really enjoyed myself. I guess it was because the people at the party were all interesting. And there was good music, too. Somebody brought along some music, and everyone had a great time. I didn't get home until after 2 a.m.</p>	<p>شنبه شب به مهمانی تولد دوستم رفتم. همیشه از رفتن به مهمانی های تولد لذت نمیبرم چون اغلب مجبوری بازی ها و کارهای احمقانه انجام بدی. خب، قطعا مجبور بودیم تا تمام انواع بازی های احمقانه را انجام بدیم، اما خودم واقعا لذت بردم. حدس میزنم به خاطر این بود که آدم های توی مهمانی همه جالب (بامزه) بودند. و موزیک خوبی هم بود. یه نفر چندتا موزیک همراهش آورده بود و همه اوقات خوبی داشتند. بعد از ساعت ۲ نیمه شب رسیدم خونه.</p>

تمرین ساخت جمله

<p>I had a really great weekend.</p>	<p>آخر هفته واقعا فوق العاده ای داشتم.</p>
<p>I didn't have anything to do on Saturday afternoon.</p>	<p>شنبه بعد از ظهر کاری برای انجام دادن نداشتم.</p>
<p>I went to the mall.</p>	<p>به مرکز خرید رفتم.</p>
<p>I went into a department store to look around.</p>	<p>به یک مرکز خرید (دپارتمان استور) رفتم تا بگردم.</p>
<p>guess what?</p>	<p>حدس بزن چی شد؟</p>
<p>Saturday morning, I got a phone call from an old school friend.</p>	<p>شنبه صبح، یک تماس تلفنی از طرف یک دوست قدیمی مدرسه داشتم.</p>
<p>she invited me to a restaurant for lunch.</p>	<p>من را به یک رستوران برای نهار دعوت کرد.</p>
<p>We had such a pleasant time together.</p>	<p>اوقات واقعا خوبی با هم داشتیم.</p>

My brother and I wanted some exercise on Sunday, so we decided to go on a nature walk.	من و برادرم میخواستیم یکشنبه کمی تمرین کنیم، بنابراین تصمیم گرفتیم به یه پیاده روی توی طبیعت بریم.
It was pretty tiring because it was a really hot day.	نسبتا خسته کننده بود چون روز واقعا گرمی بود.
I don't think we'll go there again.	فکر نمیکنم که دوباره به اونجا بریم.
How was your weekend, Alexis?	آخر هفته ات چطور بود، الکسیس؟
So what did you do?	پس چیکار کردید؟
We just stayed home and watched TV.	فقط خونه موندیم و تلویزیون تماشا کردیم.
What did you do last weekend?	آخر هفته گذشته چیکار کردی؟
I spent most of the time at the gym.	بیشتر وقت را توی باشگاه گذراندم.
I plan to enter a bodybuilding competition next month.	برنامه دارم تا ماه آینده توی یک مسابقه (رقابت) بدنسازی شرکت کنم.
I spent all weekend playing with my nephews.	تمام آخر هفته را به بازی کردن با برادر زاده هام گذروندم.
Did you have a nice weekend?	آخر هفته خوبی داشتی؟
Did you do anything special?	کار خاصی انجام دادی؟
I met some friends on Saturday.	یک تعدادی از دوستها را شنبه ملاقات کردم.
I slept most of the day.	بیشتر روز را خوابیدم.
I went to see that new science fiction movie downtown.	برای دیدن اون فیلم علمی تخیلی جدید به مرکز شهر رفتم.
I think I fell asleep in the middle of it.	فکر کنم وسطش خوابم برد.
I went to the beach for the weekend.	برای آخر هفته به ساحل رفتم.
But it was cold and wet the whole time.	اما تمام مدت سرد و بارانی بود.
what did you do over the weekend?	توی (در طول روزهای) آخر هفته چیکار کردی؟
I stayed home and read.	خونه موندم و مطالعه کردم.
Sounds pretty boring.	به نظر خیلی کسل کننده است.
I finished reading a terrific novel.	خوندن یک رمان فوق العاده را تموم کردم.
I had to study for an exam.	مجبور بودم برای یک امتحان درس بخونم.
I was going to ask you out next weekend.	قصد داشتم ازت بخوام تا آخر هفته دیگه بریم بیرون.
I studied for a test.	برای یک آزمون درس خوندم.
She stayed with us.	اون با ما موند.
We wanted to go home.	ما میخواستیم بریم خونه.
I stayed home and worked on a project.	خونه موندم و روی یک پروژه کار کردم.
Is that all?	همش همین؟
I also I finished a good book.	همینطور یک کتاب خوب را تموم کردم.
Later, I visited a friend.	بعدش، به دیدن یک دوست رفتم.
What else did you do?	دیگه چیکار کردی؟
Some friends invited me to dinner.	چندتا از دوستها برای شام دعوتم کردند.